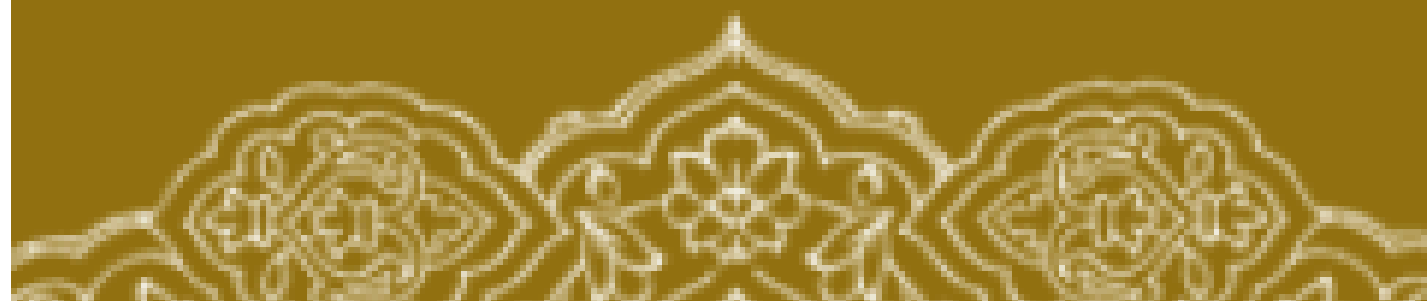
رساله رضاعیه

حدکر، کافور، حنوط
فرسخ و صاع



بسم الله الرحمن الرحیم

رساله رضاعیه

نویسنده:

مرتضی انصاری (اعظم انصاری)

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ---------- ۵
رساله رضاعیه ---------- ۸
مشخصات کتاب ---------- ۸
[مقدمه] ---------- ۸
فصل ۱ [اسباب تحریم] ---------- ۸
اشاره ---------- ۸
اوّل: مادر رضاعی است ---------- ۹
دوّم: خواهر مرضعه ---------- ۹
سوّم: دختر رضاعی است، ---------- ۹
چهارم و پنجم: عمّه و خالۀ رضاعی است ---------- ۹
ششم و هفتم: دختر برادر رضاعی و دختر خواهر رضاعی که اولاد مرضعه و فحل هستند، ---------- ۹
فصل ۲ در شروط رضاع محرم است ---------- ۹
اشاره ---------- ۹
شرط اوّل: آنکه شیر از نکاح صحیح یعنی از وطی صحیح باشد، ---------- ۱۰
شرط دوّم: تحقق مقدار رضاع شرعی است و آن حاصل می‌شود به یکی از امور سه‌گانه: ---------- ۱۰
اوّل: آنکه آن قدر شیر دهد که سبب انبات لحم و شدّ عظم باشد ---------- ۱۰
دوّم: آنکه مقدار یک شب و یک روز کامل شیر دهد طفل را، ---------- ۱۰
سوّم: آنکه پانزده دفعه متوالیه شیر دهد، ---------- ۱۱
شرط سوّم: حیات مرضعه است، ---------- ۱۱
شرط چهارم: آنکه رضاع مرتضع در حولین بوده باشد ---------- ۱۱
شرط پنجم: آنکه لبن ناشر مال یک شوهر باشد، ---------- ۱۲
فصل ۳ در احکام رضاع است ---------- ۱۲
اشاره ---------- ۱۲
مسأله اولی: گذشت که اگر حاصل شود رضاع جامع جمیع شروط مزبوره نشر می‌کند حرمت از مرضعه و فحلش به سوی مرتضع، ---------- ۱۲

مسأله دوّم: حرام است نکاح اولاد فحل، ۱۳
مسألۀ سوّم: حرام است بر پدر مرتضع نکاح اولاد صاحب لبن ولادۀ و رضاعا، ۱۳
مسألۀ چهارم: حرام است بر مرتضع نکاح اخت رضاعی مرضعه که از یک فحل شیر خورده باشند، ۱۳
اشاره ۱۳
پس متفرع می‌شود بر این مسأله چند فرع: ۱۳
اوّل: ۱۳
دوّم: ۱۴
سوّم: ۱۴
چهارم: ۱۴
پنجم: ۱۴
ششم: ۱۵
هفتم: ۱۵
هشتم: ۱۵
نهم: ۱۵
دهم: ۱۶
یازدهم: ۱۶
دوازدهم: ۱۶
سیزدهم: ۱۷
چهاردهم: ۱۷
پانزدهم: ۱۷
شانزدهم: ۱۷
هفدهم: ۱۸
هجدهم: ۱۸
نوزدهم: ۱۸
بیستم: ۱۸
بیست و یکم: ۱۸

بیست و دوّم: ---------- ۱۹
بیست و سوّم: ---------- ۱۹
بیست و چهارم: ---------- ۱۹
خاتمه در بیان دو امر است ---------- ۲۰
امر اول: در بیان آداب رضاع و مرضعه و مرتضع است، ---------- ۲۰
اشاره ---------- ۲۰
اول: آنکه سنّت است اختیار کردن دایهٔ مؤمنه عاقله عفیفهٔ جمیله، ---------- ۲۱
دوّم: سنت است که زنان را نهی کنند از شیر دادن به هر کس که رسند، ---------- ۲۱
سوّم: سنت است که مرضعه از هر دو پستان شیر دهد. ---------- ۲۱
چهارم: چون دایه به منزلهٔ مادر است سنت است که طفل بعد از شعور تعظیم دایه کند ---------- ۲۱
پنجم: سنت است که فرزند را دو سال کامل شیر دهند، ---------- ۲۱
ششم: مکروه است که دایه ولد الزّنا باشد، ---------- ۲۱
هفتم: [مکروه بودن خوردن شیر یا گوشت بزغالهٔ که زنی آن را شیر داده] ---------- ۲۲
هشتم: اگر کنیزی فرزند آقای خودش را شیر دهد، مکروه است او را فروختن ---------- ۲۲
نهم: اگر کسی مالک شود برادر رضاعی خود را، ---------- ۲۲
امر دوّم: در بیان چند مطلب است: ---------- ۲۲
مطلب اول: آنکه اگر ادعا کند احد زوجین رضاع محرّم را بر دیگری، ---------- ۲۲
اشاره ---------- ۲۲
اول: آنکه مدعی زوج باشد، ---------- ۲۲
دوّم: اینکه مدعی رضاع محرّم زوجه باشد، ---------- ۲۳
مطلب دوّم: اشکالی و خلافی نیست در اینکه حکم نمی‌شود به رضاع محرّم مگر بعد از ثبوت شرعی آن، ---------- ۲۳
مطلب سوم: اگر شک حاصل شود در بلوغ رضاع به حدّ نصاب، حکم به حرمت و محرمیّت نمی‌شود، ---------- ۲۳
درباره مرکز ---------- ۲۴

رساله رضاعیه

مشخصات کتاب

نام کتاب: رساله رضاعیه موضوع: فقه فتوایی نویسنده: دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری تاریخ وفات مؤلف: ۱۲۸۱ ه ق زبان: فارسی قطع: وزیری تعداد جلد: ۱ تاریخ نشر: ه ق نوبت چاپ: اول مکان چاپ: قم- ایران محقق/ مصحح: محمد یوسف استرآبادی ملاحظات: این کتاب همراه با سه رساله دیگر" صیغ العقود و الإیقاعات، زکات فطره و زکات مال" در یک جلد چاپ شده است

[مقدمه]

رسالهٔ رضاعیّه

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۱۸۷

تصویر صفحه اول رساله رضاعیهٔ، چاپ شده به تاریخ ۱۲۷۰ ه. ق.

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۱۸۸

تصویر صفحه اول رساله رضاعیهٔ، چاپ شده به تاریخ ۱۲۷۳ ه. ق.

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۱۸۹

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

الحمد للّه رب العالمین و الصلاهٔ و السلام علی محمّد و آله الطاهرین إلی یوم الدین و لعنهٔ اللّه علی اعدائهم أبد الآبدین و دهر الداهرین.

اما بعد، چنین گوید أفقر العباد إلی ربّه الهادی محمّد یوسف الأسترآبادی عفی عنه و عن والدیه که: این چند کلمه‌ای است سودمند در بیان مسائل رضاع و احکام آن از رأی شریف سرکار شریعتمدار أعلم العلماء المجتهدین العظام، و أفقه الفقهاء الراشدین الفخام، ثقهٔ الاسلام و حجّهٔ الأنام، شیخ المشایخ الکرام، الاستاد الأعلم و الأفقه الأزهد، الأفخم الأورع الزکیّ جناب الشیخ مرتضی الأنصاری دام ظلّه العالی، که حسب الأمر آن بزرگوار جمع و ضبط نموده‌ام تا مؤمنین و اهل دین مبین از آن بهره‌مند گردند که شاید به این وسیله خداوند أقدس اجری کرامت فرماید و از تقصیر این فقیر درگذرد، متوقع از منتفعین به این رسالهٔ شریفه که این کمترین را به دعای خیر و طلب مغفرت یاد و شاد فرمایند.

و مرتب ساختم این رساله را بر سه فصل و یک خاتمه.

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۱۹۰

فصل ۱ [اسباب تحریم]

اشاره

بدان که از جملهٔ اسباب تحریم و محرمیّت رضاع است، پس حرام می‌شود از سبب رضاع هر چیزی که حرام می‌شد به نسب، پس زن شیرده به منزلهٔ مادر طفل رضیع است، و شوهرش که صاحب شیر باشد- و در عرف فقهاء او را فحل می‌نامند- به منزله

پدر است و محرّمات از رضاع نیز مثل محرّمات نسبیّه هفت صنفند.

اوّل: مادر رضاعی است

و آن زنی است که شیر داده باشد تو را، یا شیر داده باشد پدر و مادر نسبی یا رضاعی تو را، یا یکی از اجداد و جدّات نسبیّه یا رضاعیّهٔ تو را.

دوّم: خواهر مرضعه

که خالهٔ رضاعی تو خواهد بود، و برادرش خالوی رضاعی تو است، و پدرش جدّ رضاعی است، چنانچه پسر نسبی شیر دهنده برادر رضاعی تو است و دخترش خواهر رضاعی است، و بر این قیاس است تا آخر احکام نسب.

سوّم: دختر رضاعی است،

و آن دختری است که شیر خورده باشد از شیر زن تو که صاحب شیر تو باشی، یا از شیر زن پسر تو که صاحب لبن پسر تو باشد، خواه پسر نسبی تو باشد یا رضاعی، یا اینکه شیر داده باشد آن دختر را دختر تو، خواه دختر نسبی تو باشد یا سببی.
رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۱۹۱
و همچنین است دختران دختر تو هر چند پایین بروند، خواه از رضاع و خواه از نسب.

چهارم و پنجم: عمّه و خالهٔ رضاعی است

که اخوات فحل یعنی صاحب لبن عمّات رضیع‌اند، و اخوات مرضعه خالات مرتضع می‌باشند، و همچنین اخوات پدر فحل عمات رضیع و اخوات مادر مرضعه خالات رضیع می‌باشند هر چند بالا بروند، خواه از نسب باشند و خواه از رضاع که از یک فحل باشند.

ششم و هفتم: دختر برادر رضاعی و دختر خواهر رضاعی که اولاد مرضعه و فحل هستند،

خواه اولاد رضاعی ایشان باشند یا اولاد نسبی، و فرقی نیست در بنات الاخ و بنات الاخت میان اینکه رضاعی باشند یا نسبی.
بدان که چنانچه رضاع سابق مانع از نکاح لاحق است همچنین مبطل است رضاع لاحق نکاح سابق را، پس اگر تزویج کند رضیعهٔ را و بعد از تزویج شیر دهد آن رضیعهٔ منکوحه را کسی که شیر دادنش مبطل نکاح صغیره باشد، مثل مادر ناکح یا خواهرش یا زن خودش یا زن پدرش یا زن برادرش، در وقتی که شیر از آن پدر و برادر باشد، فاسد می‌شود آن نکاح.
رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۱۹۲

فصل ۲ در شروط رضاع محرم است

اشاره

بدان که رضاع سبب تحریم و محرمیّت است بعد از تحقق چند شرط.

شرط اوّل: آنکه شیر از نکاح صحیح یعنی از وطی صحیح باشد،

خواه به عقد دوام و خواه به متعه، و خواه به تحلیل یا به ملك یمین، پس اگر شیر مرضعه از غیر نکاح باشد مثل درّ و نشر لبن بدون وطی و حمل، یا اینکه از زنا بوده باشد، رضاع در این صورت سبب نشر حرمت نخواهد شد، و در وطی به شبهه اقوی نشر حرمت است؛ زیرا که نکاح به شبهه به منزلهٔ نکاح صحیح است.

و معتبر است در حقّ شیر دهنده که زن باشد، پس حاصل نمی‌شود رضاع اگر مرد یا خنثی مشکل طفل را شیر دهد.

و شرط نیست در نشر حرمت بقاء مرضعه در حبالهٔ زوج، پس اگر طلاق دهد زوجه را در زمان حمل و بعد از وضع حمل شیر دهد رضیعی را، یا اینکه طلاق دهد او را در حالتی که مرضعه باشد، یا اینکه زوج بمیرد پس شیر دهد بعد از انقضاء عدّه از لبن زوج طفلی را نشر حرمت می‌شود.

و همچنین است اگر شوهر کند آن ضعیفه و دخول کند زوج ثانی و شیر

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۱۹۳

از شوهر اول در آن باقی باشد، خواه حامله شود از شوهر ثانی یا نه، چه زیاد شود شیر در پستانش یا نه بلکه به حال خود باقی بماند، بلی اگر منقطع شود شیر بعد عود کند در زمانی که ممکن باشد بودن آن از شوهر دوّم نشر حرمت نمی‌کند در حقّ زوج اوّل، و این مال دوّم است که ناشر حرمت است در حقّ او.

چنانچه اگر متّصل شود شیرش تا اینکه وضع حمل نماید از ثانی، شیر قبل از وضع مال زوج اول است، و بعد از وضع مال زوج ثانی است، پس شیر بعد از وضع ناشر حرمت در حق اوّل نخواهد بود.

و اگر شیر حاصل شود از انعقاد نطفه به سبب جذب منی أجنبی به مساحقه و نحو آن نشر حرمت نمی‌کند شیر، زیرا که این به منزله زنا است و شرط نیست در نشر حرمت وضع حمل و تحقق ولادت، پس شیر از مجرّد حمل قبل از وضع نیز نشرش خالی از قوت نیست.

شرط دوّم: تحقق مقدار رضاع شرعی است و آن حاصل می‌شود به یکی از امور سه‌گانه:

اوّل: آنکه آن قدر شیر دهد که سبب انبات لحم و شدّ عظم باشد

و مرجع در انبات عرف است، همین قدر که عرف بگویند انبات لحم و شدّ عظم از شیر مرضعه شد کفایت می‌کند در تحقّق رضاع محرّم.

دوّم: آنکه مقدار یک شب و یک روز کامل شیر دهد طفل را،

به نحوی که در مقدار شبانه روز هر وقت آن طفل شیر بخواهد و احتیاج داشته باشد شیر دهد او را تا اینکه سیر شود، و شیر غیر مرضعه یا مأکول و مشروب در اثناء متخلّل نشود بر سبیل بدلیّت از شیر و تغذّی، و الّا ضرر ندارد مسمای اکل و شرب.

و بالجمله، رضاع یوم و لیلهٔ ناشر است، خواه کمتر از ده رضعه واقع

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۱۹۴

شود یا زیادتر یا به قدر آن؛ زیرا که ظاهر این است که ارضاع یك شبانه روز سبب و امارهٔ مستقله بوده باشد در نشر حرمت، و

فرقی نیست در یوم میان یوم طویل و غیره به جهت انجبارش به شب، بلی در ملفّق از مقدار یوم و لیلهٔ که مبدأ شیر دادن اثناء یوم یا اثناء شب واقع شود اشکال است، لکن اظهر اکتفاء به آن است در نشر حرمت.

و حاصل نمی‌شود نشر حرمت به کمتر از ده مرتبه شیر دادن در غیر یوم و لیله، اگر چه در هر مرتبه شیر کامل بدهد، بلی در ده دفعه شیر دادن خلاف است، اظهر عدم نشر است به عشر، اگر چه احوط این است که به نکاح او را قبول نکند و نظر محرمانه نیز باو نکند.

سوّم: آنکه پانزده دفعه متوالیه شیر دهد،

که در هر مرتبه شیر کامل دهد او را از پستان، و مرجع در رضعهٔ کامله به سوی عرف است، پس اگر اندکی بمکد و زود رها کند پستان را جهت تنفس یا به جهت بازی کردن، پس از آن عود کند تا چندین مرتبه که سیر شود، پس مجموع یک رضعهٔ کامله است اگر فصل طویل در اثناء متخلّل نشود، و إلّا اعتبار ندارد.

و معتبر است در رضعات عددیّه سه قید:

اوّل: آنکه رضعهٔ کامله باشد به نحوی که ذکر شد، پس اعتبار ندارد رضعهٔ ناقصه در تحقّق نشر.

دوّم: آنکه رضعات متوالیه باشد، به این معنی که شیر زن دیگر را نخورد به رضعهٔ کامله در اثناء رضعات عددیه، و اگر قلیلی بخورد که رضعهٔ کامله نباشد اشکال است، بعید نیست که مضر نباشد در توالی.

و اگر غذاء غیر شیر در میانه متخلّل شود و لو بر سبیل بدلیّت از شیر در وقت احتیاج ضرر ندارد در تحقق رضاع ناشر، و امّا در زمانیّه پس

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۱۹۵

فصل مطلقا مضر است، خواه رضاع زن دیگر باشد یا مأکول و مشروب، مگر اینکه به عنوان تغذّی نباشد- چنانچه- گذشت- که در این صورت ضرر ندارد در تحقق رضاع.

سوّم: اینکه شیر را از پستان مرضعه بیاشامد نه، ریختن در حلق یا به ایصال در جوف طفل به طریق حقنه یا نحو آن، و این شرط در هر یک از این سه قسم از رضاع محرم ملحوظ است، پس اگر به مکیدن از پستان نیاشامد، متحقّق نمی‌شود رضاع مطلقا، و همچنین است اشتراط اتحاد مرضعه علاوه بر اتحاد فحل در هر یک از تقدیرات ثلاثه، پس اگر شیر خورد طفل از دو زن مثلا بالاشتراک در هر یک از تقدیرات ثلاثه سبب نشر نخواهد بود.

شرط سوّم: حیات مرضعه است،

پس اگر بمیرد در اثناء رضاع و کامل شود نصاب آن بعد از ممات مرضعه نشر حرمت نخواهد کرد، و بالجمله، مرضعه در این صورت خارج می‌شود به موت از التحاق احکام رضاع.

شرط چهارم: آنکه رضاع مرتضع در حولین بوده باشد

باین معنی که: تمام رضاع ناشر واقع شود در حولین و چیزی از آن واقع نشود بعد از حولین، و مبدأ حولین انفصال تمام ولد است، و آخر آن جزء اخیر از شهر بیست و چهارم است، و این شرط معتبر است در حق مرتضع نه در ولد مرضعه بنابر اصح،

پس اگر بگذرد از ولدش اکثر از حولین بعد از آن شیر دهد طفلی را که کمتر از حولین بر او گذشته نشر حرمت خواهد نمود، و هرگاه شیر دهد به رضعات عددیّه و باقی بماند از رضعات رضعهٔ واحدهٔ کامله بلکه نصف رضعه کامله پس بگذرد از او حولین نشر حرمت نمی‌کند، بلی ناشر است اگر تمام شود رضعه به اتمام حولین

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۱۹۶

شرط پنجم: آنکه لبن ناشر مال یک شوهر باشد،

پس اگر طفلی شیر خورد از زنی به نصف رضاع از یک شوهر و به نصف دیگر از شیر همان زن از شوهر دیگر، مثل شیری که از شوهر اوّل باقی بماند و متّصل شود به حمل و وضع آن از شوهر ثانی، پس در این صورت نشر نخواهد نمود و اگر شیر دهد یک زن از لبن یک شوهر صد طفل را مثلا به رضاع ناشر، هر یک از آن اطفال بر یکدیگر حرام می‌شوند، زیرا که برادر و خواهر می‌شوند با همدیگر.

و اگر کسی ده زن داشته باشد، و هر یک از آنها ده طفل یا زیاده از یک طفل را شیر دهد، حرام می‌شود تناکح میان این اطفال؛ به سبب اینکه همگی به منزله اولاد آن فحل می‌باشند، چنانچه حرام می‌شود هر یک از آن زوجات بر هر یک از آن اطفال؛ زیرا که همگی و تمامی به منزلهٔ امّهات و زنان پدرند.

بدان که شرط نیست إذن مولی و اذن زوج در تحریم، پس اگر کنیز بدون إذن مولی یا زوجه بدون اذن شوهر شیر دهند طفل غیر را نشر حرمت می‌کند، بلی اگر إرضاع زن مانع از استمتاع زوج باشد پس آثم است بدون رضای زوج و إلّا فلا.

شرط ششم: آنکه شیر خالص باشد، پس اگر ممزوج باشد نشر حرمت نمی‌کند، و بعضی اعتبار کرده‌اند در تحقق رضاع صحّت مزاج طفل و بقاء شیر در معده را، و این قول خالی از وجه نیست خصوصا ثانی، پس رعایت احتیاط به عدم نکاح او و عدم نظر محرمانه راه نجات است.

شرط هفتم: آنکه شیر آدمی باشد، پس اگر شیر حیوانی را بخورند گوشت آن حرام نمی‌شود، و اگر برّهٔ شیر زنی را بخورد حرام نمی‌شود گوشت آن برّه، لکن مکروه است.

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۱۹۷

و بدان که شرط است در تحقق برادر بودن رضاعی میانهٔ دو طفل- که هر دو از یک اجنبیّه شیر خورده باشند به تمامی شروط متقدّمه- آنکه شیر هر دو از یک فحل باشد، پس اگر هر یک از شیر فحل علا حدّه شیر خورده باشند برادر رضاعی نمی‌شوند، بلی آن زن مادر هر دو می‌شود علی الأقوی هر چند مراعات احتیاط اولی است.

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۱۹۸

فصل ۳ در احکام رضاع است

اشاره

و در آن چند مسأله است

مسأله اولی: گذشت که اگر حاصل شود رضاع جامع جمیع شروط مزبوره نشر می‌کند حرمت از مرضعه و فحلش به سوی مرتضع،

و از مرتضع به سوی فحل و مرضعه، پس مرضعه مادر مرتضع و فحل پدرش است و هکذا، چنانچه گذشت.

مسأله دوّم: حرام است نکاح اولاد فحل،

خواه از نسب و خواه از رضاع، بر مرتضع، و همچنین حرام است اولاد نسبی مرضعه بر مرتضع اگر چه پایین بروند، و امّا اولاد رضاعی او پس حرام نیستند بر مرتضع اگر رضاع آن اولاد از لبن شوهر دیگر متحقّق شده باشد.

مسألهٔ سوّم: حرام است بر پدر مرتضع نکاح اولاد صاحب لبن ولادهٔ و رضاعا،

و همچنین حرام است بر پدر مرتضع نکاح اولاد زن مرضعه صاحب لبن ولادهٔ؛ به جهت اینکه اولاد مذکوره در حکم ولد پدر مرتضع‌اند، چنانچه در حدیث صحیح وارد شده، و امّا اولاد رضاعی مرضعه پس به سبب عدم اتحاد فحل عدم حرمت- چنانچه قول مشهور است- اقوی است.

چنانچه اقوی عدم عدم حرمت نکاح اولاد این مرضعه و اولاد فحل این

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۱۹۹

مرضعه است بر اولاد پدر مرتضع، که آن اولاد از این شیر نخورده باشند، و همچنین است اخوات نسبیّه مرتضع بر خود فحل، لکن رعایت احتیاط طریق سداد است در هر دو مسأله.

مسألهٔ چهارم: حرام است بر مرتضع نکاح اخت رضاعی مرضعه که از یک فحل شیر خورده باشند،

اشاره

لکن احوط این است که نظر محرمانه نیز نکند، و امّا از دو فحل حرام نیست، بلی حرام است نکاح اخت رضاعی زوجه بر زوج به سبب جمع بین الاختین، که محرّم است و مختص باختین نسبی نیست.

و اگر شیر دهد زنی پسر کسی را و دختر شخص دیگر را از یک شوهر جایز است اینکه نکاح کنند برادران آن پسر مذکور خواهران آن دختر را؛ زیرا که میان اینها نه نسب است و نه رضاع.

بدان که مصاهره- یعنی خویشی- چنانچه تعلق به نسب می‌گیرد همچنین تعلق می‌گیرد به رضاع، پس چنانکه مادر زن نسبی حرام است بر شخص همچنین مادر زن رضاعی او نیز حرام و محرم می‌شود، و همچنین حرام می‌شود دختر نسبی و رضاعی مادر زن چنانکه مذکور شد، و گذشت بر سبیل اجمال که چنانچه رضاع شرعی پیش از عقد مانع از نکاح لاحق است و باعث حرام شدن عقد می‌شود، همچنین رضاع شرعی بعد از عقد نیز موجب فساد و بطلان عقد سابق است،

پس متفرّع می‌شود بر این مسأله چند فرع:

اوّل:

آنکه اگر مادر زن شخصی فرزند او را شیر دهد- خواه آن فرزند از دختر آن مادر زن باشد یا از زن دیگر آن داماد باشد- زن آن شخص که دختر مادر زن است بر شوهرش حرام می‌شود، و عقد ایشان فاسد می‌شود و از زن بودن بیرون می‌رود و حرام

دائمی می‌شود؛ به

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۲۰۰

جهت اینکه زنش به منزلهٔ خواهر فرزندش است در این صورت، و طفل رضیع فرزند مرضعه است.

و گذشت در مسألهٔ سوّم که پدر مرتضع اولاد نسبی مرضعه را نمی‌تواند بگیرد، بلی در جدّهٔ پدری که شیر دهد فرزند پسرش را پس در اینجا مادر مرتضع حرام نمی‌شود بر شوهرش؛ زیرا که مانعی از نکاح او به هیچ وجه نیست بنابر مشهور.

دوّم:

آنکه اگر زن دیگر پدر زن او که غیر مادر زن او است فرزند او را شیر دهد، زن آن شخص که فرزند آن پدر زن است بر آن شوهر حرام می‌شود؛ زیرا که اولاد صاحب شیر- خواه نسبی باشند و خواه رضاعی- بر پدر طفل شیرخورنده حرام می‌شوند، چنانچه گذشت.

و امّا اولاد دایه پس اگر نسبی باشند حرام می‌شوند هر چند از غیر این شوهر باشند، و اگر رضاعی باشند پس حرام نمی‌شوند بنابر مشهور- چنانچه گذشت- اگر چه اجتناب از این قسم احوط است.

سوّم:

اگر کسی کنیزی داشته باشد که از او طفلی داشته باشد و آن کنیز زن صغیرهٔ آن کس را شیر دهد، هر دو بر آن کس حرام دائمی می‌شوند؛ زیرا که کنیز به جای مادر زن خواهد شد و زن او دختر رضاعی آن کس خواهد شد.

و هرگاه آن کنیز از شیر غیر آن کس داده باشد همان کنیز حرام می‌شود؛ چون مادر زن است، و زن حرام نمی‌شود.

چهارم:

هرگاه زنی عقد صغیری شده باشد پس به سبب عیب و مانند آن عقد را فسخ کند، و بعد از آن زن شخصی بشود و از او طفلی بیاورد و از شیر او آن صغیر مزبور را شیر دهد، آن زن بر شوهر دوّم نیز حرام می‌شود؛ زیرا که صغیر مزبور به منزلهٔ فرزند زوج ثانی می‌شود، و

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۲۰۱

زن فرزند مطلقا حرام است خواه رضاعا و خواه نسبا، چه زن فرزند رضاعی پیش از تحقّق رضاع نکاح او واقع شود یا بعد از آن.

پنجم:

هرگاه زنی از شوهر خود طلاق گرفته باشد و به عقد صغیری در آمده باشد و از شیر شوهر اوّل آن شوهر صغیر را شیر دهد بر هر دو حرام می‌شود دائما.

امّا نسبت به شوهر اول به جهت اینکه فرزند رضاعی است، و امّا نسبت به شوهر ثانی که صغیر است پس به جهت این است که

مادر رضاعی او می‌شود، و آن بالضّروره حرام است.

ششم:

هرگاه دختر صغیرهٔ را عقد پسر صغیر که پسر عموی او است نمایند به عقد ولایتی، و پس از آن جدّهٔ ایشان یکی از ایشان را شیر دهد، بر همدیگر حرام می‌شوند و عقد ایشان فاسد می‌شود؛ زیرا که اگر شیر دهد صغیره را پس آن صغیرهٔ منکوحه به منزلهٔ عمّهٔ صغیر ناکح می‌شود، و اگر صغیر ناکح را شیر دهد پس آن ناکح به منزلهٔ عمو خواهد شد از برای صغیره مزبوره.

هفتم:

هرگاه مادر شخصی زن صغیرهٔ او را شیر دهد، آن زن بر آن شخص حرام می‌شود زیرا که خواهر رضاعی او می‌شود، و همچنین اگر خواهر آن شخص آن صغیرهٔ منکوحه را شیر دهد، یا زن پدر یا زن پسر او یا زن برادر او آن صغیره را شیر دهد، آن زن بر آن شخص حرام می‌شود؛ به جهت اینکه این مرضعه اگر خواهرش باشد صغیرهٔ منکوحهٔ دختر خواهرش می‌شود، و اگر زن پدر ناکح باشد منکوحهٔ فرزند رضاعی پدرش می‌شود که خواهرش محسوب است، و اگر زن پسر ناکح شیر دهد فرزند رضاعی پسرش خواهد شد، و اولاد رضاعی ولدش حرام است بر او، و اگر زن برادرش باشد مرضعه پس رضیعهٔ منکوحه به منزلهٔ

دختر برادرش خواهد شد.

هشتم:

اگر زن صغیرهٔ شخصی را زن کبیرهٔ او از شیر او شیر دهد هر دو زن بر آن مرد حرام می‌شوند؛ زیرا که زن بزرگ مادر زن می‌شود و زن کوچک دختر رضاعی آن شخص می‌شود، و اگر از شیر غیر آن شخص باشد حکم به حرمت در این صورت مشروط به دخول به کبیره است، و اگر دخول نکرده باشد به کبیره حرام می‌شود همان کبیره فقط.
و برای کبیره است مطالبهٔ مهر در صورت دخول، و الّا مهری نیست از برایش؛ به جهت اینکه فسخ نکاح از جانب او شده نه از جانب زوج، بلی صغیره نصف مهرش ساقط نمی‌شود بلکه از زوج می‌گیرد اگر تفویت منفعت بضع از کبیره باشد، پس صغیره نصف مهرش را از زوج می‌گیرد و نصف دیگر ساقط می‌شود.
و اگر صغیرهٔ شیر خورد از کبیره به غیر اختیارش، مثل اینکه کبیره چهارده شیر کامل را خود به اختیار دهد به آن طفل و در مرتبه پانزدهم بنا نداشت که شیر دهد، یا آنکه در یوم و لیله شیر داد و در مرتبه اخیره که شیر بایست بدهد تا اکمال رضاع یوم و لیلهٔ شود بنا نداشت که شیر دهد، لکن اتفاقا در خواب بود صغیره خود را به او رسانیده پستانش را در دهن گرفته و شیر خورده تا مقدار شرعی از رضاع به عمل آمد، پس در این صورت مهرش تماما ساقط می‌شود.

نهم:

اگر زنی از شوهر اوّل طلاق بگیرد و زن شخص دیگر بشود و از شیر آن شخص دیگر آن زن صغیرۀ شوهر اوّل را شیر دهد هر دو حرام می‌شوند، و عقد صغیره فاسد می‌شود در صورتی که شوهر اول دخول کرده باشد، و الّا همان شیر دهنده حرام دائمی می‌شود، و صغیره خودش حرام دائمی نمی‌شود، و لکن عقدش فاسد می‌شود، پس اگر بخواهد او را

به عقد تازه باید عقد کند.

دهم:

هر گاه کسی سه زن داشته باشد دو کبیره و یکی صغیره، یکی از آن دو کبیرۀ اوّل آن زن صغیره را شیر بدهد به رضاع شرعی، بعد از آن زن کبیرۀ دیگر آن شخص نیز شیر بدهد، پس حرام می‌شود صغیره و کبیرۀ اولی به حرمت دائمی، در وقتی که شیر هر دو از همین شخص باشد.

و امّا در کبیرۀ ثانیه خلاف و اشکال است، قول بعدم حرمت اگر چه خالی از وجه نیست؛ زیرا که صغیرۀ بعد از ارتضاع از کبیرۀ اولی دختر رضاعی زوج گردید، پس کبیره ثانیه دختر رضاعی شوهر خودش را شیر داد نه زنش را چنانچه در خبر معتبر وارد شده، لکن احوط اجتناب است، بلکه خالی از قوّت نیست.

و اگر از شیر غیر این شخص باشد پس حرام شدن صغیره مشروط به دخول به کبیرتین یا به یکی از آن دو می‌باشد، و خلاف و اشکال مزبور در کبیرۀ ثانیه در این صورت نیز جاری است؛ به جهت اینکه صغیرۀ مزبوره بعد از ارتضاع از اولی ربیبۀ زوج گردید، پس کبیره ثانیه ربیبۀ زوج را شیر داد نه زنش را، لکن احوط بلکه اقوی اجتناب است.

و اگر به هیچ یک دخول نکرده باشد، کبیرتین هر دو حرام مؤبّد می‌شوند، و صغیره حرام نمی‌شود لکن عقدش فاسد می‌شود، پس اگر بخواهد تجدید عقد می‌کند.

یازدهم:

اگر کسی سه زن داشته باشد دو صغیره و یک کبیره، و شیر دهد کبیره از شیر غیر این کس هر دو صغیره را، حرام می‌شوند هر سه بر زوج اگر دخول کرده باشد به کبیره، و الّا حرام می‌شود کبیره فقط، و صغیرتین نیز عقد ایشان فاسد می‌شود اگر دفعۀ واحده رضاع شرعی ایشان واقع شده باشد.

و اگر به نحو تعاقب باشد پس فاسد می‌شود عقد صغیرۀ اولی و کبیره؛ به علت جمع میانۀ عقد مادر و دخترش به سبب رضاع، و صغیرۀ ثانیه عقدش صحیح باقی می‌ماند، و حلیت نکاح صغیرۀ اولی در این صورت موقوف است بر طلاق ثانیه؛ به جهت اجتناب از جمع بین الاختین.

دوازدهم:

اگر زید زنی داشته باشد صغیره، و عمرو زنی دارد کبیره پس هر دو طلاق دهند، بعد از آن زید کبیره را به عقد خود درآورد و عمرو صغیره را، پس از آن شیر دهد کبیره صغیره را، پس کبیره بر هر دو حرام می‌شود، و امّا صغیره پس او حرام می‌شود بر

کسی که دخول کرده باشد به کبیره، و امّا کسی که دخول نکرده باشد پس بر او حرام نیست، چنانچه در فروع پیش از این گذشت.

سیزدهم:

جمعی از اصحاب حکم فرموده‌اند به حرام بودن جدّه نسبیّه مرتضع بر فحل به جهت آنکه به منزلهٔ مادر زن فحل است، لکن مشهور بر عدم حرمت قائل شده‌اند، و احتیاط مقتضی این است که فحل اختیار نکند تزویج او را، و همچنین نگاه محرمانه نیز به او ننماید مثل احتیاط در اخت مرتضع.

چهاردهم:

آنکه خلاف است در امّ الأخ و امّ الاخت، بعضی قائل شده‌اند بر حرمت آنها بر برادر رضاعی به توهم اینکه امّ الاخ و امّ الاخت به منزلهٔ مادرند، لکن اقوی و مشهور این است که حرام نمی‌باشند؛ نظر به اینکه عنوان محرّم در نسب امّ است به جهت مادر بودن نه از جهت مادر برادر بودن، و الّا بسا می‌شود که مادر هست در نسب و امّ الأخ نیست، مثل اینکه اولادی سوای یک پسر نداشته باشد، و همچنین است امّ الاخت.
پس معیار چنانچه گذشت این است که هر عنوانی که در نسب حرام

است همان عنوان بعینه اگر حاصل شود به سبب رضاع حرام خواهد بود، و در محل فرض چنین نیست؛ زیرا که عنوان محرّم در نسب امّ بود نه امّ الأخ، و عین این عنوان در رضاع نیست، لکن رعایت احتیاط طریق سداد است.

پانزدهم:

اگر کسی دختر برادرش را که صغیره است به عقد فرزندش که صغیر است در آورد، پس از آن شیر دهد جدّهٔ ایشان یکی از این دو صغیر را منفسخ می‌شود نکاح ایشان و باطل می‌شود عقد در این صورت؛ به جهت اینکه جدّه اگر پدری باشد و مرتضع پسر باشد، پس آن مرتضع عموی زوجهٔ صغیره خواهد بود؛ زیرا که مرتضع برادر پدر صغیره است از سبب رضاع از طرف مادر شوهرش بعد از آنکه بوده است پسر عموی او و اگر مرتضع دختر باشد پس عمّه‌اش می‌شود و مرتضعه خالهٔ شوهرش می‌شود.

شانزدهم:

اگر کسی زوجهٔ کبیره‌اش را طلاق دهد پس شیر دهد زوجهٔ صغیرهٔ او را هر دو حرام می‌شوند بر آن کس به حرمت دائمیّه اگر شیر از همین کس باشد، و امّا اگر شیر از غیر این کس باشد پس حرمت دائمیّه هر دو بر او مشروط است به اینکه دخول کرده باشد به کبیره؛ به جهت اینکه کبیره مادر زنش محسوب خواهد شد و صغیره دختر زوجهٔ مدخول بها می‌شود.
و اگر دخول نکرده باشد به کبیره حرام می‌شود کبیره فقط نه صغیره؛ به جهت اینکه دختر زن غیر مدخول بها حرام نیست به

مجرّد عقد بر مادر آن دختر، بلی باطل می‌شود نکاح صغیره، و لازم است که تجدید عقد کند اگر طالب صغیره باشد، و نظیر این مسأله در فرع هشتم و نهم و دهم و یازدهم بلکه دوازدهم گذشت.
رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۲۰۶

هفدهم:

اگر کسی دو زن داشته باشد، یکی کبیره و یکی صغیره، پس شیر دهد مادر کبیره زوجهٔ صغیره را، باطل می‌شود نکاح هر دو؛ به جهت اینکه صغیره اخت کبیره می‌شود، و جمع بین الاختین صحیح نیست.

هجدهم:

اگر کسی کنیزی داشته باشد بعد از وطیش شیر دهد آن کنیزک زوجهٔ صغیرهٔ آن کس را هر دو حرام می‌شوند خواه رضاع حاصل شود از شیر آقای کنیز، یا از شیر غیر آقایش؛ به جهت آنکه آن کنیز مادر زن می‌شود و صغیره دختر آقایش می‌شود، اگر از شیر خود آن کس باشد.
و امّا اگر از شیر غیرش باشد کنیز مادر زنش می‌شود و صغیره دختر زن مدخول بها می‌شود از برای آن کس، و اگر کنیز موطوئه آن کس نباشد همان کنیز حرام می‌شود نه زوجهٔ صغیره؛ به جهت آنکه مادر زنش می‌شود.

نوزدهم:

چنانچه جایز نیست تزویج دختر برادر و دختر خواهر بر روی عمّه و خالهٔ نسبی بدون اذن عمّه و خاله، همچنین جایز نیست تزویج آنها بر روی عمّه و خالهٔ رضاعی بدون اذن آنها.

بیستم:

خلافی و اشکالی نیست که اگر کسی وطی کند پسری را، حرام می‌شود بر او در نسب مادر او هر چند بالا رود و خواهر او هر چند پائین رود بلکه دختر او هر چند پایین رود بنابر احوط و مشهور به حرمت ابدیّه، و همچنین این حکم جاری است در مادر و خواهر و دختر رضاعیّه.

بیست و یکم:

کسانی که آزاد می‌شوند بر ولد نسبی اگر مالک شود مثل آباء و اولاد و سایر محارم نسبیّه، مشهور قائل شده‌اند به آزاد شدن آنها بر ولد رضاعی نیز، پس اگر مالک شود فرزندان را هر چند پائین
رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۲۰۷
روند از فرزندان رضاعی و مرضعه و فحل را و پدران و مادران ایشان را هر چند بالا روند، و همچنین خواهرهای رضاعی و خاله‌های رضاعی را یا عمه‌های رضاعی را هر چند بالا روند یا دخترهای برادرهای رضاعی یا دخترهای خواهر رضاعی را هر

چند پایین روند، همه بر او آزاد می‌شوند، چنانچه در نسب بر او آزاد می‌شدند.

بیست و دوّم:

اگر کسی فجور نماید به عمّه یا خالهٔ خودش حرام می‌شود بر آن کس تزویج دختر رضاعی عمه و خاله هر چند پایین روند، چنانچه در نسب حرام می‌شد.

بیست و سوّم:

اگر کسی دو زن صغیره داشته باشد و هر دو شیر یک زن را بخورند تا شیر پانزدهم و شیر پانزدهم را هر یک از پستان خورده به یک بار فارغ شوند، پس هر دو حرام جمعی بر شوهر می‌شوند، به این معنی که عقد هر دو باطل می‌شود، بعد از آن هر یک را که بخواهد تازه عقد می کند.

و اگر به تعاقب شیر خورند به این معنی که یکی از پانزده تمام شود و از دیگری هنوز تمام نشده باشد عقد هر دو صحیح است تا وقتی که از زن دوّم پانزده شیر تمام شود، پس در این صورت عقد هر دو باطل می‌شود بنابر مذهب أکثر که این مصاهره را اعتبار کرده‌اند.

بیست و چهارم:

اگر کسی دو زن داشته باشد، بعد از مدتی ظاهر شود که اینها خواهر رضاعی بوده‌اند، پس اگر هر دو را در یک عقد گرفته کاشف به عمل می‌آید که عقد هر دو باطل بوده است، و اگر یکی را پیش‌تر گرفته بود عقد دومی باطل خواهد بود.

بدان که معنی اینکه رضاع در حکم نسب است این است که هر عنوانی که در نسب حرام است اگر آن عنوان به جهت رضاع حاصل شود نیز

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۲۰۸

حرام است، مثلاـ مادر نسبی حرام است به فرزند همچنین مادر رضاعی نیز حرام است، پس مادر بودن هر وقت به سبب رضاع حاصل شود نیز حرام است.

بنابراین اگر زنی برادر شخصی را شیر دهد آن زن به سبب رضاع مادر برادر آن شخص می‌شود، نه مادر او.

و همچنین اگر کسی دختر عمّهٔ کسی را شیر دهد یا دختر خاله کسی را شیر دهد، آن زن مادر دختر عمّه یا دختر خاله می‌شود نه عمّه و خاله.

پس تنزیل رضاع منزله یکی از محرّمات نسبیّه بر وجه عموم به نحوی که میر داماد رحمه اللّه و غیره قائل شده‌اند دلیل بر اعتبارش نیست، و اینکه اصحاب تنزیل چون میر داماد رحمه اللّه حکم کرده‌اند به حرام بودن زن در مواضع چند، وجهی ندارد.

موضع اوّل از آن مواضعی که حکم کرده‌اند به عموم منزلت بر حرمت زن، این است که هرگاه زنی از شیر شوهر خود برادر یا خواهر پدری و مادری خود را یا پدری یا مادری خود را شیر دهد برادر آن زن فرزند شوهرش می‌شود، پس مرضعه- که خواهر فرزند رضاعی فحل است- به منزلهٔ فرزند فحل می‌شود، و فرزند فحل بر او حرام است، این مسأله اگر چه خلافی است

و جماعتی از غیر اصحاب تنزیل نیز قائل شده‌اند به حرمت، لکن مشهور قائلند به عدم حرمت، پس احوط اجتناب است.

موضع دوّم: اینکه زن شیر دهد فرزند برادر خود را، پس چون فرزند برادر از جهت رضاع فرزند عمّه شد، و عمّه فرزند بر شوهر حرام است، پس مرضعه به منزلهٔ خواهر فحل می‌شود.

موضع سوّم: اینکه زن شیر دهد عموی خود را یا عمّهٔ خود را،

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۲۰۹

پس مرضعه دختر برادر فرزند رضاعی یا دختر خواهر فرزند رضاعی خودش می‌شود، و همچنین به منزله جدّهٔ خودش می‌شود.

موضع چهارم: آنکه زن شیر دهد خالو یا خاله خودش را، پس مرضعه مزبوره به منزلهٔ دختر خواهر فرزند شوهرش می‌شود، یا اینکه فحل به منزلهٔ جدّ مادری مرضعه یا به منزلهٔ شوهر مادر مرضعه می‌شود.

موضع پنجم: آنکه زن شیر دهد فرزند عموی خود را، یا آنکه زن دیگر شوهرش شیر دهد فرزند عموی آن زن را، پس شوهر به منزلهٔ عموی زن می‌شود.

موضع ششم: آنکه زن شیر دهد فرزند خالوی خود را، پس فحل به منزلهٔ خالو می‌شود.

موضع هفتم: آنکه زن شیر دهد برادر شوهر یا خواهر شوهر خود را از شیر آن شوهر، پس زن به منزلهٔ مادر برادر یا مادر خواهر فحل می‌شود.

موضع هشتم: آنکه زن شیر دهد فرزند خواهر شوهرش را پس زن به منزلهٔ خواهر فحل می‌شود.

موضع نهم: آنکه زن شیر دهد فرزند فرزند شوهرش را، پس اگر فرزند پسر فحل باشد پس مرضعه به منزلهٔ زن پسر می‌شود، و اگر فرزند دختر فحل باشد، پس مرضعه به منزلهٔ دختر فحل می‌شود.

موضع دهم: آنکه زن شیر دهد عموی شوهرش را یا عمّه شوهرش را یا خالو یا خاله شوهرش را، پس مرضعه- که مادر رضاعی اینها است- به منزلهٔ جدّهٔ پدری یا جدّهٔ مادری فحل می‌شود.

موضع یازدهم: آنکه یکی از دو زن شخصی از شیر همان کس فرزند فرزند دیگر او را شیر دهد، پس مرضعه به منزلهٔ دختر یا عروس

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۲۱۰

شوهر می‌شود، و نیز به منزلهٔ جدّهٔ فرزند شوهر می‌شود.

و بالجمله، در امثال این مواضع مزبوره دلیلی بر اعتبار این نحو عموم منزله نداریم، خصوصا چنین منزلهٔ که لازم منزلهٔ دیگر است به طور عکس نمودن، مثل اینکه خواهر زن شیر بدهد فرزند خواهر خودش را، پس خواهر زن نزد اصحاب تنزیل به منزلهٔ زن می‌شود، و زن مرضعه به منزلهٔ خواهر زن می‌شود، که مادر رضاعی فرزند است.

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۲۱۱

خاتمه در بیان دو امر است

امر اول: در بیان آداب رضاع و مرضعه و مرتضع است،

اشاره

و آن چند چیز است:

اول: آنکه سنّت است اختیار کردن دایهٔ مؤمنه عاقله عفیفهٔ جمیله،

و مکروه است که دایه کم عقل و احمق باشد، یا غیر اثنا عشریهٔ باشد، یابد صورت یا بدسیرت و کج خلق باشد، به جهت اینکه شیر را تأثیر زیادی است در مزاج طفل، و بهترین شیرها شیر مادر طفل است اگر عیب عارضی بهم نرسیده باشد، و اگر زن مسلمان بهم نرسد به زن یهودیه و نصرانیه می‌توان داد طفل را که او را شیر دهد، و لکن مهما امکن دایه را به خانه آورد، و نگذارد که گوشت خوک و شراب بخورد و طفل را به خانهٔ خود برد، و اگر یهودیه و نصرانیه بهم نرسد به مجوسیه می‌توان داد به شروط مزبوره.

و سنت است که مادر شیر دهد فرزند خود را اگر شیرش خوب باشد، و سزاوار در حق مادر این است که طلب اجرت شیر از پدر نکند، چنانچه اولی در حق پدر این است که اجرت بدهد اگر داشته باشد، و اگر مادر اجرت خواهد به اجرت بسیار و دایه به کمتر از آن راضی شود، از مادر می‌توان گرفت که به دایه بدهند.

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۲۱۲

دوّم: سنت است که زنان را نهی کنند از شیر دادن به هر کس که رسند،

چون بسیار است که شیر می‌دهند و فراموش می‌کنند و فرزندان به هم می‌دهند، و عاقبت ظاهر می‌شود که خواهر خود را گرفته است، مثلا.

سوّم: سنت است که مرضعه از هر دو پستان شیر دهد.

چهارم: چون دایه به منزلهٔ مادر است سنت است که طفل بعد از شعور تعظیم دایه کند

و به منزلهٔ مادر خود داند او را، و همچنین شوهر او را به منزلهٔ پدر خود داند، و فرزندان ایشان را برادر و خواهر خود داند، و خویشان ایشان را که به سبب رضاع محرم او شده‌اند به منزلهٔ خویشان خود داند در رعایت احترام و توقیر.

پنجم: سنت است که فرزند را دو سال کامل شیر دهند،

و یک روز کمتر و بیشتر در غیر ضرورت شیر ندهند، و جایز است بیست و یک ماه شیر دادن، و احوط این است که کمتر از این شیر ندهند مگر با ضرورت، چنانچه بسیار است که حامله می‌شود مادر طفل و شیرش کم می‌شود، طفل در شکم آزار می‌کشد و دایه هم نمی‌رسد، یا بهم می‌رسد و مؤونهٔ اجرت دایه را ندارند، اکتفاء به کمتر می‌توان نمود، چنانچه احوط این است که زیاده از دو سال شیر ندهند، و مشهور این است که دو ماه زیاده می‌توان داد، و اولی آنکه تا ضرورتی نباشد زیاد ندهند.

ششم: مکروه است که دایه ولد الزّنا باشد،

یا فرزندش ولد الزّنا باشد، بلکه کراهیت این اشدّ است از اختیار کافره، و اگر دایه کنیز باشد و زنا داده باشد و محتاج شوند به او برای شیر دادن، بهتر این است که از آقای کنیز طلب کنند که حلال کند کنیز خود را که زنا داده است، و بعد از حلال

کردن کراهت تخفیف می‌شود یا زائل.

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۲۱۳

هفتم: [مکروه بودن خوردن شیر یا گوشت بزغالهٔ که زنی آن را شیر داده]

در حدیث است که از معصوم «علیه السلام» پرسیدند که زنی بزغالهٔ را شیر داده بود مدتی تا استخوانش سخت شده و گوشت روئیده و بزرگ شده و نر بر او کشیده‌اند و زائیده است، آیا شیر آن را یا گوشت آن را می‌توان خورد، حضرت فرمودند: که این فعل مکروه است و شیر و گوشت آن باکی نیست.

بدان که رضاع باعث ارث بردن و واجب شدن نفقه و مانند اینها غیر از حرمت نکاح و محرمیّت نمی‌شود، پس پدر رضاعی ولایت ندارد بر فرزند رضاعی، و مادر رضاعی حق حضانت ندارد، و گواهی مرتضع بر فحل مسموع است، و اگر فحل او را بکشد در عوض او می‌کشند فحل را، و مثل پدر نسبی نیست که در عوض فرزند نتوان کشت.

و همچنین استیفاء حدود از فحل می‌توان نمود، و در قسمت دیه داخل نیست، و حکم مرتضع بعد از رسیدن به منصب قضاوت بر فحل جاری است، و بی‌رخصت فحل قسم و عهد و نذر یاد می‌تواند نماید.

هشتم: اگر کنیزی فرزند آقای خودش را شیر دهد، مکروه است او را فروختن

زیرا که به منزلهٔ مادر فرزند است، بلی در حدیث صحیح وارد شده است که: هرگاه مملوک شیر خانم خود را خورده باشد فروختن او حرام است، و خوردن تنخواه او نیز حرام است.

نهم: اگر کسی مالک شود برادر رضاعی خود را،

یا پسر برادر رضاعی خود را، یا پسر خواهر رضاعی خود را، یا پسر عمو یا پسر عمه یا پسر خالو یا پسر خالهٔ رضاعی را، مکروه است اینها را بندگی بفرماید یا بفروشد، بلکه سنت است که اینها را آزاد کند، و خود سر آزاد نمی‌شوند.

بدان که، در مواردی که رضاع مفسد نکاح است اگر شیر دهنده قاصد

رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۲۱۴

بر اضرار بر زوج یا زوجه باشد شیر دادن حرام است. اگر مستلزم ضرر باشد، و الّا حرام نیست.

امر دوّم: در بیان چند مطلب است:

مطلب اول: آنکه اگر ادعا کند احد زوجین رضاع محرّم را بر دیگری،

اشاره

پس این به دو نحو متصوّر می‌شود:

اول: آنکه مدعی زوج باشد،

پس در این صورت یا ممکن است قبول دعوای او یا ممکن نیست، به این معنی که تکـذیب کنـد دعوای او را حسّ و وجدان، مثل اینکه حکم کند وجدان که نظر به سن هر یک کرده ممکن نیست تحقّق رضاع از شیر او.
و در فرض ثانی مسـموع نیست دعوای زوج، و امّا در فرض اول، پس اگر پیش از عقد آن ضعیفه باشد، اقرارش مسموع است، و جایز نیست از برای او که تزویـج کنـد او را، خواه آن زن تصـدیق کند او را یا تکذیب کند، و اگر این دعوای مزبوره بعد از عقـد و قبل از دخول باشـد، پس اگر تصـدیق کنـد منکوحه او را در این دعوی عقد باطل خواهد بود و مهری از برای منکوحه نخواهـد بود، به جهت بطلان نکاح، و اگر دعوی بعـد از دخول باشـد و منکوحه نیز عالمه باشـد قبل از دخول به رضاع محرّم، پس نکاحش باطل و مهری ندارد، و اگر علم بهم نرساند ضـعیفه مگر بعد از دخول به این معنی که در حال دخول جاهله باشد پس خلاـف است در مهر، جماعتی از اصـحاب حکم فرمودهانـد باسـتحقاق مهر المسـمّی، و جماعت دیگر حکم فرمودهانـد به ثبوت مهر المثل.
اینها همه در صورت تصـدیق زوجه بوده است، امّا در صورت تکـذیب زوجه، پس اگر اقامۀ بیّنه کند بر دعوای خودش حکم کرده می‌شود به تفریق و تحریم، و خواهد بود مثل صورتی که تصدیق کرده باشد او را
رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۲۱۵
زوجه، و اگر بیّنه نداشته باشد حرام است زوجه بر زوج نظر به اقرار زوج، و قولش مسموع نیست نسبت به زوجه.
و اگر ادّعای علم بر زوجه نماید از برای او است که قسم دهد زوجه را بر نفی علم، و اگر ضـعیفه قسم خورد در این صورت یا ادّعای علم بر او ننماید و بوده باشد این دعوی پیش از دخول، مشهور این است که نصف صداق را زوج باید بدهد.
و امّا بعد از دخول پس واجب است که جمیع مهر را بدهد بلا خلاف، و حکم کرده می‌شود به تفریق میان ایشان.

دوّم: اینکه مدعی رضاع محرّم زوجه باشد،

پس اگر قبل از تزویـج باشـد حکم می‌شود به حرمت، و اگر بعـد از تزویـج باشد مسـموع است دعوای او، و تفصـیل حکم این صورت از صورت اوّل ظاهر می‌شود.

مطلب دوّم: اشکالی و خلافی نیست در اینکه حکم نمی‌شود به رضاع محرّم مگر بعد از ثبوت شرعی آن،

و ثابت می‌شود به شـهادت دادن دو عادل بر وجه تفصـیل به این طریق که فلان کس شـیر کامل خورد از پستان فلان ضعیفه از شیر حاصل‌شدۀ از وطی صـحیح شـرعی پانزده شیر یا مانند آن تا آخر شرایط مذکورۀ، یا به تواتر قطعی، و مشهور این است که شهادت زنان در رضاع مسـموع است، لکن مسأله محل تأمل است، پس احتیاط را در مقام عمل ترک نبایـد کرد، و اکثر قائلند که قبول نمی‌شود در باب رضاع شهادت بر سبیل اجمال بلکه لا بدّ است از تفصیل و این قول خالی از قوّت نیست.

مطلب سوم: اگر شک حاصل شود در بلوغ رضاع به حدّ نصاب، حکم به حرمت و محرمیّت نمی‌شود،

و مظنّۀ تحقّق رضاع نیز کافی نیست در ثبوت رضاع محرم، لکن رعایت احتیاط طریق سداد است، و اللّه العالم
رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، ص: ۲۱۶
و المؤیّد و المسدّد.

تمّت الرسالهٔ فی غایهٔ العجالهٔ، و الحمد للّه جلّ جلاله، و الصلاهٔ علی محمّد و آله، فی الخامس عشر من شهر صفر المظفر من شهور السنهٔ التاسعهٔ و الستین بعد المائتین و الألف من الهجرهٔ المقدّسهٔ.

دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، رساله رضاعیه (شیخ انصاری)، در یک جلد، قم - ایران، اول، ه ق

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بندهای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگـان نرم افزار های تلفن همراه و چنـدین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکـاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مـذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب ســــــایت: www.ghaemiyeh.com ایمیـــــــل: Info@ghaemiyeh.com فروشـــگاه اینترنـــتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شمـاره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شـبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجـاج - به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم ما که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسـین علیه السـلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیـف از پیروان مــا را دارد، امّـا تـو دریچـه‌ای [از علـم] را بر او می گشـایی کـه آن بینـوا، خـود را بِـدان، نگـاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهانـدن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند،

گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».